

بررسی موسیقی کناری در اشعار فارسی اول ابتدایی از حیث معیارهای ادبیات کودک

محمدعلی نوری خوش‌رودباری^۱

چکیده

اگر بخواهیم عناصر شش‌گانه شعر (زبان، عاطفه، موسیقی، پیام، ساختمان و تخیل) را برای سروده‌های مخصوص کودک و نوجوان اولویت‌بندی کنیم، بی‌گمان عنصر موسیقی رتبه اول را حایز خواهد شد؛ چراکه عنصر یادشده اثرگذارترین عنصر بر روان کودک و نوجوان است. برگشت قافیه در شعر، گوش کودک و نوجوان را تحریک می‌کند و باعث التذاد او می‌شود. برای او شعر بودن کلام با قافیه‌داشتن مشخص می‌شود. ردیف هم در افزایش موسیقی شعر کودک و نوجوان تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. این پژوهش بر آن است موسیقی کناری را در کتاب فارسی اول دبستان که از حیث آشنایی رسمی کودک با عالم شعر و شاعری اهمیت زیادی دارد، بررسی کند و به محاسن و معایب به‌کارگیری موسیقی کناری (قافیه و ردیف) در این کتاب بپردازد. روش پژوهش حاضر تحلیلی است و نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است که اشعار این کتاب از حیث انتخاب بعضی از قافیه‌های غنی، انتخاب ردیف ترکیبی و تخفیفی، نوآوری در آوردن ردیف، آوردن قافیه محجوب، تکرار در محل قافیه و آوردن قافیه بدیعی، دارای حسن است و به‌دلیل انتخاب بعضی از قافیه‌های فقیر و عدم انتخاب واژه‌های قافیه‌ای که واجد بداهت و تازگی باشند، کاستی و عیب دارد.

کلیدواژه‌ها: موسیقی کناری، قافیه، ردیف، اشعار فارسی اول دبستان

^۱ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Ma_noori48@yahoo.com

از گذشته‌های دور تعریف‌های چندی از شعر در دست است؛ برای نمونه ابن‌سینا (۱۹۶۶: ۲۳) در شفا شعر را این گونه تعریف می‌کند: سخنی است خیال‌انگیز که از اقوال موزون و متساوی - و نزد عرب مقفی - فراهم می‌شود. یکی از استادان بزرگ می‌نویسد: بسیاری از قدا در تعریف شعر فقط صورت را در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند شعر کلامی است موزون و مقفی (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۹: ۹). شفیع کدکنی (۱۳۶۵: پانزده) که به‌خاطر آشنایی با زبان‌های بیگانه از پژوهش‌های اروپاییان درباره شعر، کاملاً آگاه است، شعر را این گونه تعریف می‌کند: گره‌خوردگی عاطفه و تخیل که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد. بر این اساس، عناصر سازنده شعر عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ یا موسیقی و شکل یا ساختمان خواهند بود. برخی از این عناصر خود به چند پاره، بخش می‌شوند؛ مثلاً موسیقی دارای چهار پاره خواهد بود: موسیقی بیرونی، درونی، معنوی و کناری. تقی پورنامداریان در «سفر درمه» سروده‌های شاملو را بر بنیاد همین پنج عنصر ارزیابی کرده‌است. محمد کاظم کاظمی در «روزنه» عنصر عاطفه را به دو پاره عاطفه و اندیشه بخش کرده و از دید او عناصر سازنده شعر به شماره شش می‌رسد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳۲۷). این مقاله به بررسی موسیقی کناری (قافیه و ردیف) در اشعار کتاب فارسی اول دبستان به‌عنوان نماینده ادب کودک می‌پردازد. و می‌خواهد به این سؤالات پاسخ دهد: ویژگی‌های موسیقی کناری در اشعار اول دبستان با ویژگی‌های شعر کودک همخوانی دارد یا خیر؟ و نقاط قوت و ضعف موسیقی کناری در اشعار کتاب یادشده کدامند؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

قافیه، کلمات آخر اشعار است که حرف اصلی آخر آن‌ها یکی باشد (همائی، ۱۳۶۷: ۵). در صورتی که یک کلمه عیناً در آخر همه اشعار تکرار شده باشد، آن را ردیف می‌گویند (همان: ۵). وجود یا حضور قافیه در شعر کودک و نوجوان، اهمیت بسزایی دارد؛ تا جایی که می‌توان گفت شعر کودک بدون قافیه، قابل تصور نیست. یکی از علل به‌کارگیری اوزان کوتاه در شعر کودک این است که میان آهنگ قافیه‌ها، میان ضربه‌های یکسان آن‌ها، فاصله طولانی نیفتد؛ زیرا فاصله طولانی از تأثیر موسیقایی قافیه بسیار می‌کاهد. اصلاً کودک و نوجوان، شعر بودن کلام را به قافیه می‌شناسند و تشخیص و تعیین اوزان عروضی برای آنان بسیار دشوار یا حتی غیرممکن است. از این‌روست که در نقد شعر کودک بیش از وزن و مضمون باید به قافیه پرداخت. به‌عبارت‌دیگر، موسیقی کناری از مهم‌ترین عناصر سازنده شعر کودک و نوجوان است. کاربرد قافیه در شعر کودک و نوجوان،

ویژگی‌های خاصی دارد که یکی از آن‌ها غنا و قوت قافیه است؛ بدین معنی که دو کلمه قافیه هر چه تعداد حروف مشترکشان بیشتر باشد، برای کودک و نوجوان موسیقایی‌تر و دلنشین‌تر است. به این‌گونه قافیه‌ها، قافیه غنی می‌گویند (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸ : ۶۶). برای این مهم، بهتر است کلمه‌هایی را قافیه کنیم که دارای جناس ناقص اختلافی هستند و آن هم اختلاف در اول کلمه. دو کلمه زمانی دارای جناس ناقص اختلافی هستند که در حرف اول، وسط یا آخر با هم اختلاف داشته باشند؛ مثل توشه، گوشه/ زمان، زمین/ آزاد، آزار (هادی، ۱۳۷۳ : ۱۴۹).

به قافیه‌هایی که تعداد حروف مشترکشان کم باشد، قافیه فقیر می‌گوییم؛ مثل «زد» و «بد». با این که این دو کلمه، جناس ناقص اختلافی دارند، به دلیل کم بودن حروف مشترکشان، قافیه فقیر به شمار می‌آیند؛ اما «پنجره» و «زنجره» را باید قافیه غنی به شمار آورد. اگر شاعر مجبور بود که قافیه فقیر را به کار گیرد، می‌تواند آن را با ردیف غنی کند.

ویژگی دیگری که قافیه در ادبیات کودک و نوجوان باید داشته باشد، «بدهت و تازگی» است؛ بدین معنی که واژه‌ای که برای قافیه انتخاب می‌شود، هر چه تازه‌تر باشد، لذت شنیدن آن بیشتر است. به عبارت دیگر، جزء کلمات تکراری، کلیشه‌ای، کهنه و مبتذل نباشد؛ مثل قافیه کردن «اخم و زخم» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸ : ۶۷).

ردیف هم در شعر کودک نقش برجسته‌ای دارد و آن افزودن موسیقی شعر است. ردیف کاربرد چندگانه در شعر کودک و نوجوان دارد. ۱- آن‌گاه که شاعر قافیه فقیر را در شعرش آورده، ردیف می‌تواند کمبود موسیقی را جبران کند (کیانوش، ۱۳۷۹ : ۶۷). ۲- در وزن‌های کوتاه که نمی‌توان قافیه میانی آورد، آوردن ردیف، نبود قافیه میانی را جبران می‌کند ۳- در اوزان بلند، آوردن ردیف باعث می‌شود که شعر برای کودک یا نوجوان کوتاه جلوه کند (همان، ۱۳۸۸ : ۶۹).

یکی از مباحث مربوط به ردیف، تعیین نوع دستوری آن است. در دستور زبان فارسی، کلمه را از حیث نوع یا تجزیه یا مقوله به هفت قسم بخش می‌کنند: اسم، فعل، صفت، ضمیر، قید، حرف، صوت یا شبه جمله (انوری و گیوی، ۱۳۷۰ : ۱۵).

بررسی هجا از نخستین مباحث مربوط به قافیه است. مقصود از هجای قافیه، هجا یا بخشی از کلمه قافیه است که آخرین حرف آن روی^۱ باشد (شمیسا، ۱۳۶۶ : ۹۴) معادل انگلیسی صامت یا همخوان، Consonant و مصوت یا واکه، Vowel است. به همین سبب ساختمان هجاها را به گونه زیر تقسیم کرده‌اند:

۱- CV ← به، که، و ۲- C \bar{V} ← با، بی ۳- CVC ← بر، دل ۴- C $\bar{V}C$ ← کار، بید
۵- CVCC ← کشت، رشت ۶- C $\bar{V}CC$ ← کاشت، ریخت (نجفی، ۱۳۷۵ : ۵۶). قافیه را از دیدی به پر کاربرد و کم کاربرد تقسیم کرده‌اند. در زبان فارسی در برخی از قافیه‌ها تعداد واژه‌های

هم قافیه بسیار است و به دویست یا سیصد می‌رسد؛ مثلاً در قافیۀ «ار» یا «ان». برعکس، در بعضی قافیه‌ها تعداد واژه‌های قافیه اندک است؛ مانند قافیۀ «اک» (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۹: ۹۸). یکی از عیوب قافیۀ سنتی، شایگان است. شایگان در اصطلاح علم قافیه، هر حرف یا حروف زاید و ملحقی است که با حروف اصلی قافیه کرده‌شود؛ مثل قافیه کردن جان با مردان یا تضمین با رنگین (ماهیار، ۱۳۷۶: ۲۹۰). برخی از عالمان علم عروض و قافیه، شایگان را قافیه کردن کلمات دارای علامت‌های جمع با کلماتی که حرف زاید ندارند، می‌دانند. و ما در این مقاله تعریف ماهیار را برگزیدیم که عالمانه‌تر است. تقی وحیدیان کامیار (۱۳۷۴: ۸) از پیشروان ارائه و تبیین قافیۀ جدید با آوردن تبصره‌ای بسیاری از قافیه‌ها را که قدما معیوب می‌شمردند، درست قلمداد کرده‌ است و آن، این که پسوند و پیشوند گرچه واژه قافیه نیستند، اما در قافیه شعر در حکم واژه قرار می‌گیرند. از مثال‌هایی که وحیدیان کامیار می‌آورد، معلوم می‌شود که نظر او چنین است: اگر حروف قافیه در پیشوند یا پسوند باشند، مثل قافیه کردن تمثالگر با خوب‌تر یا اگر پیشوند و پسوند، عین حرف قافیه باشند، مثل قافیه کردن لولیان و روان (جاری)، باید آن‌ها را واژه قافیه حساب کرد. در مثال اول «گر» و «تر» و در مثال دوم «ان» نشانه جمع و «ان» فاعلی واژه‌های قافیه هستند (همان: ۸).

عیب دیگری از عیوب قافیه، ایطای جلی است. وحیدیان کامیار در تعریف ایطای جلی می‌گوید: آن قافیه کردن کلمات با پسوند یکسان است (همان: ۱۰۱). باید بدانیم که این تعریف کامل نیست و این خرده‌ای است که بر وحیدیان کامیار وارد است. ایطای جلی در کلمات مرکب هم پیش می‌آید؛ مثل قافیه کردن بلاگستر و سخن‌گستر (ماهیار، همان: ۲۸۹) که اگر جزء تکراری «گستر» را مدنظر قرار ندهیم، واژه‌های هم قافیه نخواهیم داشت. تکرار قافیه عیب دیگری از عیوب قافیه است. و آن، عبارت است از: تکرار یک کلمه به‌عنوان قافیه در چندین بیت از یک سروده.

وحیدیان کامیار (۱۳۶۹: ۹۵) دو قاعده را برای حروف قافیه ذکر می‌کند: قاعده (۱) بیانگر آن است که مصوت‌های «ا» و «و» به‌تنهایی می‌توانند قافیه قرار بگیرند؛ مثل «ما» و «پیدا». قاعده (۲) می‌گوید هر مصوت با یک صامت یا دو صامت بعدش قافیه قرار می‌گیرد؛ مثل سحر و بر/ نکاشت و نداشت که در اولی «ر» حروف قافیه است و در دومی «اشت».

او همچنین چندین تبصره برای قافیه می‌آورد: تبصره ۱ این است که واژه قافیه می‌تواند حرف یا حروف الحاقی داشته باشد و الحاقی‌ها را هم به پنج نوع تقسیم کرده‌است: شناسه، مخفف زمان حال بودن (مثل م به معنای هستم)، پسوند، ضمیر متصل و «ی» بعد از مصوت‌های بلند «ا» و «و» (مثل جای و موی). تبصره ۲ می‌گوید که در کلمات مختوم به «ه» و «ی» این حروف را که

جزء اصل کلمه هستند، الحاقی حساب کنیم؛ با این که می‌دانیم این‌ها جزء اصل کلمه هستند؛ چراکه در غیر این صورت با قواعد دوگانه قافیه جور در نمی‌آیند؛ مثل قافیه کردن «شانه» با «دانه» یا «پری» با «بری» (همان: ۹۶) تبصره ۴ بیانگر این است که اگر در قافیه، علاوه بر حرف یا حروف مربوط به قاعده دوگانه قافیه، حرف یا حروف دیگری مشترک باشد، قافیه خوش‌آهنگ‌تر است؛ اما رعایت آن‌ها الزامی نیست (همان: ۹۷).

یکی از مسائل دیگری که در بررسی قافیه پیش می‌آید، حاجب و محجوب است. حاجب کلمه‌ای است که پیش از قافیۀ اصلی تکرار شود. قدما این‌گونه قوافی را محجوب می‌خواندند (شاه‌حسینی، ۱۳۶۷: ۱۴۵)

تکرار در محل قافیه از دیگر مباحث مربوط است؛ بدین صورت که شاعر واژه قافیه را چند بار در کنار هم تکرار کند. این امر نه تنها عیب نیست، بلکه موجب غنای موسیقی درونی شعر می‌شود. موسیقی درونی یا داخلی هر نوع تناسبی است که بین صامت‌ها و مصوت‌های کلام رخ می‌دهد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۵) و تکرار یکی از شگردهای زیبایی‌آفرین در کلام است. تکرار موسیقی شعر را به وجود می‌آورد و یکی از ارکان بنیادی در شعریت شعر است. تکرار زیباست؛ زیرا تکرار یک چیز، یادآور خود آن است و دریافت این وحدت، شادی‌آفرین است. اصولاً ذهن انسان پیوسته در تکاپوی کشف رابطه و وحدت میان پدیده‌های گوناگون (کثرت‌ها) است و این عمل ذهن، ایجاد نشاط می‌کند (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۲۳).

قافیۀ بدیعی هم از مباحث مربوط به قافیه است و آن، این است که در قافیه یکی از صناعات ادبی از قبیل اعنات و تجنیس یا نوآوری و ابداعی اعمال شده باشد (شمیسا، ۱۳۶۶: ۱۱۳).

موسیقی کناری به عنوان یکی از اقسام چهارگانه موسیقی شعر همواره مورد توجه شاعران و محققان حیطة شعر بوده است. مقالات بسیاری هستند که موسیقی کناری و ویژگی خاص آن را در سروده‌های شاعران مورد بررسی قرار داده‌اند.

پارسا (۱۳۹۵) گونه‌ای از موسیقی کناری در قصاید خاقانی را بررسی کرده و معتقد است که خاقانی با به کارگیری حروف قافیه به شیوه اعنات در قصاید خود و استفاده از آن‌ها در کنار ردیف، ضمن رعایت تناسب با موضوع بیت و افزایش موسیقی کناری، به گونه‌ای هنرمندانه پیام خود را در ذهن خواننده تداعی می‌کند و با این کار بر موضوع مورد نظر خود نیز تأکید می‌ورزد. به عبارت دیگر، شاعر در محور افقی، موضوع مورد نظر خود را بیان می‌کند و در محور عمودی با استفاده از موسیقی کناری حاصل از تکرار حروف قافیه و ردیف، بر القای موضوع مورد نظر خود تأکید می‌کند. زنگنه (۱۳۹۵) به نقد و بررسی موسیقی کناری در اشعار کلاسیک اخوان ثالث پرداخته است. او ابتدا نقش‌های موسیقایی قافیه و ردیف را در اشعار کلاسیک نام‌برده بررسی کرده است، سپس

شگردهای هنری انتخاب انواع قافیه و ردیف و بسامد آن‌ها را در دو مجموعه شعر «ارغنون» و «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» بیان کرده‌است. قولانی و زند (۱۳۹۵) به بررسی موسیقی بیرونی و کناری در غزلیات و قصاید ظهیر فاریابی پرداخته‌اند و معتقدند که کلمات قافیه در غزل‌ها و قصاید ظهیر به دلیل استفاده از مصوت بلند، از گوش‌نوازی خاصی برخوردار است. او توجه خاصی به آوردن ردیف در غزل و قصیده دارد. اگرچه ردیف‌های او خالی از تنوع قابل توجه است، بسامد بالای قصاید و غزلیات مردّف در اشعار او بیانگر علاقه وی به این امر است.

نگارنده (۱۳۹۴) به بررسی موسیقی کناری در نظام نخست از مقتل فدایی پرداخته‌است و قافیه نظام یادشده را از دید هجا بررسی کرده، سپس عیب‌های قافیه در همین نظام را بیان نموده‌است. همچنین شکل‌های مختلف قافیه بدیعی را که فدایی در آن‌ها موسیقی درونی را با موسیقی کناری در هم آمیخته، از نظر دور نداشته‌است.

هیچ یک از مقالات موجود، این مقوله (موسیقی کناری) را در کتب درسی بررسی نکرده‌اند. پژوهش حاضر با در نظر داشتن ویژگی‌های موسیقی کناری، به نقاط قوت و ضعف آن در فارسی اول دبستان و میزان انطباقش با ویژگی قافیه و ردیف در شعر کودک می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

بی‌گمان در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، موسیقی کناری از سه قسم دیگر موسیقی، یعنی بیرونی، درونی و معنوی مهم‌تر است؛ چراکه شعر بودن به عقیده کودک و نوجوان، یعنی مقفا و مردف بودن کلام. به همین خاطر بسیاری از اشعار کودک بی‌معنی، اما مقفا یا احیاناً مردف هم هستند. قوی‌ترین و غنی‌ترین شکل قافیه و ردیف در ادب کودک این است که هر بیت دارای ردیف باشد و قافیه‌ها هم بیشترین حروف مشترک را دارا باشند. از آنجایی که کتاب فارسی اول دبستان نخستین کتابی است که کودکان با آن زبان فارسی را می‌آموزند، باید در انتخاب اشعار آن از حیث قوت و غنای موسیقی کناری، بسیار دقت شود؛ چیزی که عملاً صورت نگرفته‌است.

جدول ۱: قافیه‌های کتاب فارسی اول دبستان از حیث فقیر یا غنی بودن

نام سروده	قافیه‌های فقیر	قافیه‌های غنی
خدای مهربان	خدا، دعا، مرا، بابا	صفا، وفا
راه مدرسه	مرا، جا، خدا، را	شانه، پروانه / مهمان، دبستان
سبز و سبز و سبز	_____	کوهسارها، آبشارها / جویبارها، کشتزارها / آفتاب، آب / دور، جور
انار	هم، پروردگارم	دسته، نشسته / رخشان، آن / انار، آبدار

نام سروده	قافیه‌های فقیر	قافیه‌های غنی
مهربان تر از مادر	بابا، ماهی‌ها	پروانه، دانه / زمینی، مهربان‌ترینی
زردآلو	خوش‌بو، زردآلو	رنگین، شیرین / بیمار، تباردار / بادام، دام
ای ایران	صحرا، دریا	زیبایی، مایی / خاکت، پاکت
ما کودکانیم	_____	کودکانیم، شیرین‌زبانیم، می‌خوانیم / دبستان، خندان، گلستان / گفتار، کار، رفتار
جشن در آسمان	_____	زیباست، پیداست / رویش، مویش / راه، ماه / آسمان‌هاست، آن‌هاست
دریا	زیبا، دریا	زیبایی، دریایی
جشن بهمن	بهمن، میهن / قاصدک، شاپرک	دوباره، ستاره / پرنده، خنده / لب‌خند، اسفند / شاد، آزاد
پیغمبر ما	پا، حرا	بارید، تابید / گلشن، روشن / پیغمبر، رهبر
شادیم و پاک و خندان		ایران، خندان، ایمان، دبستان، بخوان

نکته‌ها:

- ۱- بسیاری از قافیه‌های فقیر به حال خود رها شده‌اند و شاعر برای غنی کردن آن‌ها تدبیری نیندیشیده‌است. در چند مورد معدود شاعر با آوردن ردیف، قافیه را از فقر رهایی بخشیده؛ مثل «پا بود، حرا بود» در سروده پیغمبر ما.
 - ۲- در پاره‌ای موارد که قافیه‌ها غنی بودند، شاعر با آوردن ردیف، درجه غنای قافیه را تعالی بخشیده‌است. در این‌گونه موارد، ردیف علاوه بر این وظیفه، وظیفه دیگرش، یعنی جبران نبود قافیة میانی را به‌خوبی انجام داده و به نظر می‌رسد شاعر به این مورد اخیر بیشتر توجه داشته‌است.
 - ۳- در یک مورد با نوآوری در جبران قافیة فقیر مواجه هستیم و آن، این که در سروده «ای ایران» شاعر با آوردن حاجب «داری هم» قافیه‌های «صحرا و دریا» را غنا بخشیده‌است.
 - ۴- در سروده «جشن در آسمان» شاعر برای قافیه‌های فقیر «زیبا و پیدا»، ردیف تخفیفی «ست» (مخفف است) را آورده‌است. از آنجایی که کودک، این ردیف تخفیفی را جزء کلمه می‌شمارد، شاعر با این کار خود قافیه را غنا بخشیده. او با همین کار درجه غنای قافیه را در بند آخر سروده خود، یعنی در قافیه کردن کلمات «آسمان‌هاست و آن‌هاست» بیشتر کرده‌است.
- موارد زیر را می‌توان مصداق بداهت و تازگی قافیه دانست؛ به‌خاطر این که دایرة لغات دانش-آموزان پایه اول محدود است.

جدول ۲: قافیه های دارای بداهت و تازگی

نام سروده	قافیه‌های دارای بداهت و تازگی
سبز و سبز و سبز	دور، جور
زردآلو	بادام، دام (اسم صوت)
پیغمبر ما	پا، حرا

جدول ۳: بررسی ردیف در اشعار کتاب فارسی اول دبستان از حیث نوع دستوری واژه

نام سروده	قسمتی از شعر که دارای ردیف است	واژهٔ ردیف	نوع دستوری واژه
خدای مهربان	بیت آخر	بده	فعل
راه مدرسه	بند اول و آخر	زده، شده است	فعل
سبز و سبز و سبز	فاقد ردیف		
انار	بند آخر	است	فعل
مهربان تر از مادر	بند آخر	تو	ضمیر
زردآلو	بند اول و دوم	است	فعل
ای ایران	بند آخر	دارم دوست	فعل (فعل مرکب)
ما کودکانیم	بند آخر	ما خوب	ضمیر + صفت
جشن در آسمان	بند اول، سوم و چهارم	ست (مخفف است)، است	فعل
دریا	فاقد ردیف		
جشن بهمن	فاقد ردیف		
پیغمبر ما	بند سوم و چهارم	بود، ما	فعل + ضمیر
شادیم و پاک و خندان	فاقد ردیف		

در کتاب یادشده با ده مورد ردیف فعلی و سه مورد ردیف ضمیری و یک مورد ردیف صفتی مواجه هستیم. آن چنان که می‌دانیم آسان‌ترین ردیف‌ها، ردیف فعلی است؛ چون طبیعت و ساختار زبان فارسی چنین است که فعل در آخر جمله قرار می‌گیرد. بنابراین وجود فعل در آخر مصراع‌ها طبیعی است و شاعر برای آوردن آن به تکلف نمی‌افتد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). ردیف مذکور از

دید بسامد در میان ردیف‌های اشعار کتاب یادشده، جایگاه نخست را داراست. می‌بینیم که علاوه بر فعل، دو نوع کلمه دیگر هم در جایگاه ردیف نشست‌اند. این مطلب از حیث آموزش غیرمستقیم قابل توجه و تحسین است؛ چراکه دانش‌آموز پی‌می‌برد که همیشه کلماتی مثل خورد، رفت، بود، دید و ... در پایان اجزای شعر تکرار نمی‌شوند. در یک مورد با ردیف تخفیفی مواجه هستیم؛ بدین معنی که کلمه مخفف ردیف شده‌است و آن هم «ست» (مخفف است) در شعر «جشن در آسمان» در محل ردیف قرار گرفته‌است: وقت غروب است / خورشید پیداست / مثل عروس است / از دور پیداست (اکبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۳).

در مورد دیگر با ردیف ترکیبی مواجه هستیم؛ بدین معنی که در کلمه از دو نوع دستوری مختلف در جایگاه ردیف قرار گرفته‌اند و آن هم در بند آخر شعر «ما کودکانیم» عبارت «ما خوب» به عنوان ردیف انتخاب شده‌است: گفتار ما خوب / هر کار ما خوب / با هر کسی هست / رفتار ما خوب (همان: ۶۳). البته در یک مورد، فعل مرکب (دارم دوست) به عنوان ردیف انتخاب شده‌است. آن چنان که می‌دانیم واژه از حیث ساختمان به ساده، مشتق، مرکب و مشتق - مرکب تقسیم می‌شود؛ اما از حیث تعداد همه آن‌ها یک واژه به حساب می‌آیند و نمی‌توان واژه مشتق یا مرکب یا مشتق - مرکب^۲ را ردیف ترکیبی شمرد.

در شعر «ای ایران» سروده اسدالله شعبانی با نوآوری در آوردن ردیف مواجه هستیم؛ توضیح این که این شعر در قالب مستزاد^۳ سروده شده و مصراع‌های کوتاه تماماً در جایگاه ردیف نشست‌اند:

زیبا، زیبا، زیبایی ای ایران میهن خوب مایی ای ایران
من یک دنیا خاکت را دارم دوست خاک خوب و پاکت را دارم دوست (همان: ۴۷)

می‌بینیم که در بند آخر، علاوه بر مصراع کوتاه، آخرین واژه مصراع بلند هم (را) در محل ردیف قرار گرفته است.

در شعر «پیغمبر ما» سروده علی‌اصغر نصرتی باز با یک نوآوری در به‌کارگیری ردیف مواجه هستیم و آن، این که در بیت «تا صبح آن شب / نوری به پا بود» (همان: ۱۰۸) با فعل مرکب^۴ «به

پا بود» مواجه هستیم که بخشی از آن (به پا) در محل قافیه نشسته است و بخش دیگر (بود) در محل ردیف. از حیث هجای قافیه در اشعار فارسی اول دبستان فقط چهار هجای اول به چشم می‌آیند: ۱- CV ← شانه، پروانه (اکبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱) ۲- C \bar{V} ← خدا، دعا (همان: ۴) ۳- CVC ← گلشن، روشن (همان: ۱۰۸) ۴- C \bar{V} C ← دور، جور (همان: ۱۸). همچنین اکثر قافیه‌های فارسی اول دبستان از نوع پر کاربرد هستند و در کنار آن قافیه کم‌کاربرد، مثل «ین» در واژه‌های زمین و مهربان‌ترین (همان، ۱۳۹۴: ۳۷) و «اک» در واژه‌های خاک، پاک (همان: ۴۷) هم مشاهده می‌شود.

موارد زیر، مصادیق عیب شایگان از دید قافیه سنتی در قافیه‌های اشعار فارسی اول ابتدایی هستند:

هم، پروردگرم (همان: ۲۵) زمینی، مهربان‌ترین (همان: ۳۳) رنگین، شیرین (همان: ۴۳) خندان، گلستان، دبستان (همان: ۶۳). از دید قافیه جدید یا قافیه بر مبنای آرای وحیدیان کامیار، قافیه‌های مذکور دارای عیب نخواهد بود؛ در مورد اول «هم» و «م» واژه‌های قافیه‌اند، در مورد دوم «زمینی» و «ترینی»، در مورد سوم «ین» و «شیرین» و در مورد چهارم «ان»، «ستان» و «دبستان». نمونه‌ای از عیب ابطای جلی را می‌توان در کتاب مذکور مشاهده کرد و آن قافیه‌شدن پیغمبر و رهبر در سروده علی‌اصغر نصرتی است (اکبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۸)؛ از این دید که اگر در دو واژه مرکب «پیغمبر و رهبر» جزء دوم ملحوظ نظر قرار نگیرد، هیچ حرف یا حروف مشترکی نخواهیم داشت. بنابراین باید قافیه را معیوب بشماریم. البته از دید برخی از زبان‌شناسان که قایل به تکواژ مخفف نیستند و مثلاً پیغم (مخفف پیغام) و ره (مخفف راه) را که امروزه کاربرد ندارند، تکواژ مستقل نمی‌شمارند، قافیه دارای عیب نخواهد بود.

در شعر «شادیم و پاکیم و خندان» قافیه «ایران» سه بار تکرار شده است و آن هم با فاصله اندک (همان: ۱۱۱) و عیب تکرار قافیه در آن کاملاً آشکار است. از حیث قاعده قافیه در اشعار کتاب فارسی پایه نام‌برده هم قاعده یک داریم و هم قاعده دو؛ مثل قافیه کردن خدا، دعا، مرا، بابا (اکبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۴) خوش‌بو، زردآلو (همان: ۴۳) که در مورد اول مصوت بلند «ا» و در مورد دوم مصوت بلند «و» حروف قافیه هستند و این برابر است با قاعده یک. قافیه‌شدن واژه‌های

گفتار، رفتار» (همان: ۶۳) و «لبخند و اسفند» (همان: ۱۰۰) برابر است با قاعدهٔ دو؛ چراکه در مورد نخست «ار» حروف قافیه است و در مورد دوم «_ ند».

از پنج مورد حروف الحاقی که تبصرهٔ یک آن‌ها را بیان کرده‌است، چهار مورد نخست در قافیه‌های کتاب مدنظر دیده می‌شود؛ اما مورد آخر نه. شناسه‌ها و مخفف زمان حال بودن در قافیه‌کردن «کودکانیم، شیرین‌زبانیم و می‌خوانیم» (همان: ۶۳) به چشم می‌آید و پسوند در قافیه‌کردن کلمات «کوهسارها، آبشارها» (همان: ۱۸) و ضمیر متصل در قافیه‌کردن کلمات «خاکت، پاکت» (همان: ۴۶).

از حیث تبصرهٔ دو، در قافیه‌شدن واژه‌های شانه و پروانه (اکبری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱) «ان» اصلی است و «ه» در حکم الحاقی.

مطابق تبصرهٔ چهار، قافیه‌شدن کلمه «بادام» با «دام» (همان: ۴۳) یا «گلشن» با «روشن» (همان: ۱۰۸) دارای یک حرف مشترک قبل از حروف قافیه است؛ در مورد اول «د» و در مورد دوم «ش». و این باعث غنای موسیقی قافیه شده‌است و جلب توجه می‌کند.

از لحاظ همراهی قافیه با حاجب باید گفت که بند «هم کوه و جنگل داری/ هم صحرا/ هم باغ و بستان داری/ هم دریا» (همان: ۴۷) دارای حاجب است: «داری هم». به علاوه شعر «سبز و سبز و سبز» از محمود کیانوش دارای گونه‌ای حاجب است که در کتب بدیعی به آن اشاره نشده‌است و آن، این‌که یک مصراع کلاً از حاجب ساخته می‌شود: سنگ و سنگ و سنگ/ کوهسارها/ شر و شر و شر/ آبشارها (همان: ۱۸). این موضوع در بند ۲ و ۳ همان شعر تکرار شده‌است. این مطلب که مصراعی از حاجب و قافیه ساخته‌شود، در بدیع بزرگ‌سال نمونه‌ای ندارد و این‌ها همه مربوط به گشاده‌دستی در ادبیات کودک است.

مورد زیر از مصداق‌های تکرار در محل قافیه است:

بشکن زود	دام، دام، دام (همان: ۲۵)
غصه‌ها همه	دور دور دور
کار و زندگی	جور جور جور (همان: ۱۸)

سروده زیر از مصداق‌های قافیۀ بدیعی در اشعار کتاب یادشده است:

آرام و شادابی / بسیار زیبایی / پهناور و آبی / به به تو دریایی (همان: ۸). می‌توان گفت قافیه‌بندی شعر چنین است که «شادابی» و «آبی» هم‌قافیه هستند و «زیبایی» و «دریایی» با هم به‌طور جداگانه، مصراع سوم را می‌توان دو گونه معنی کرد: تو پهناور و به رنگ آبی هستی / تو پهناور از جنس آب هستی. در این صورت قافیه بدیعی خواهد بود و دارای صنعت ایهام. و ایهام آن است که کلمه‌ای در کلام حداقل به دو معنی به کار رفته‌باشد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۳۲). اگر واژه «آبی» را از جنس آب هستی معنا کنیم، در مقام سنجش با قافیۀ مصراع اول همان بند دارای عیب نخواهد بود؛ به عبارت ساده‌تر «ی» در پایان قافیه معنای «هستی» را خواهد داشت.

همچنین قافیه‌کردن ایران و ایمان (همان: ۱۱۱) دارای جناس مطرف است و جناس مطرف آن است که یکی از دو رکن جناس در حرف اول یا وسط یا آخر با هم اختلاف داشته باشند (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۹). می‌بینیم در این جا دو واژه‌ای که در محل قافیه نشسته‌اند، در حرف وسط مختلفند. همین جناس را در قافیه‌کردن «رو» و «مو» (همان: ۷۳) «راه» و «ماه» (همان: ۷۳) و «گفتار» و «رفتار» (همان: ۶۳) می‌بینیم.

در پاره‌ای از اشعار موجود در کتاب یادشده می‌بینیم که برخی از مصراع‌ها فقط از قافیه و ردیف ساخته‌شده‌اند و این خود نکته شایسته درنگی در ساخت مصراع‌هاست؛ مثلاً در بند آخر شعر «ما کودکانیم» سروده عباس یمینی شریف (همان: ۶۳) می‌خوانیم: «گفتار ما خوب/ هر کار ما خوب/ با هر کسی هست/ رفتار ما خوب» می‌بینیم که مصراع اول و چهارم فقط از قافیه و ردیف ساخته‌شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در فارسی اول دبستان، ۱۳ شعر از ۱۱ شاعر آمده‌است. از این ۱۳ شعر، ۴ مورد فاقد ردیف است. بقیه مقفا و مردف هستند. بسامد قافیۀ فقیر بسیار بیشتر از قافیۀ غنی است. قافیه‌ها دارای بداهت و تازگی نیستند و در بسیاری از موارد شاعر فقر قافیه را با آوردن ردیف جبران نکرده‌است.

و بیشنیه وزن‌های سروده‌ها کوتاه هستند و گاهی حتی شاعر برای جبران نبود قافیه میانی، ردیف را هم نیاورده‌است. در بقیه موارد ردیف‌ها از نوع دستوری فعل، ضمیر، صفت هستند. در یک مورد با ردیف تخفیفی مواجه هستیم و در مورد دیگر با ردیف ترکیبی. از حیث هجای قافیه با هجاهای CV، C \bar{V} ، CVC و C \bar{V} C مواجه هستیم و هجاهای CVCC و C \bar{V} CC نمونه‌ای در کتاب یادشده ندارند. اکثر قافیه‌های کتاب فارسی اول دبستان از نوع پر کاربرد هستند. در کنار آن، قافیه کم کاربرد هم مشاهده می‌شود. از دید قافیه سنتی عیب شایگان در یکی از سروده‌ها به چشم می‌آید. در مورد دیگر می‌توان سراغی از عیب ایطای جلی گرفت. عیب تکرار قافیه هم در یک مورد دیده می‌شود. از حیث قواعد قافیه هم قاعده ۱ به چشم می‌آید هم قاعده ۲. قافیه محجوب و قافیه بدیعی در چند مورد هم دیده می‌شود.

^۱آخرین حرف اصلی هجای قافیه را روی می‌گویند.

^۲ساده، واژه‌ای است که از یک تکواژ آزاد ساخته‌شده‌باشد؛ مثل میز. مشتق، واژه‌ای است که از یک تکواژ آزاد و حداقل یک تکواژ وابسته ساخته‌شده‌باشد؛ مثل کوشش. مرکب، واژه‌ای است که از دو یا چند تکواژ آزاد ساخته‌شده‌باشد؛ مثل کتاب‌خانه. و مشتق - مرکب، واژه‌ای است که دو یا چند تکواژ آزاد به‌علاوه یک یا چند تکواژ وابسته ساخته‌شده‌باشد؛ مثل کتاب-خوانی.

^۳مستزاد شعری است که در پایان هر مصراع، مصراع کوتاهی آورده شود.

^۴اگر فعل ساده یا پیشوندی با یک یا چند تکواژ ترکیب شود، فعل مرکب ساخته‌می‌شود.

منابع

- ابن سینا (۱۹۶۶). الشفاء. به کوشش: عبدالرحمن بدوی. قاهره: الموسسه المصریه العامه
- اکبری شلدره و دیگران (۱۳۹۴). فارسی اول دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۰) دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی.
- پارسا، سید احمد (۱۳۹۵). «بررسی گونه‌ای از موسیقی کناری در قصاید خاقانی». شعرپژوهی، دوره ۶، شماره ۲: ۱-۱۴
- زنگنه، محمد (۱۳۹۵). «نقد و بررسی موسیقی کناری اشعار کلاسیک مهدی اخوان ثالث». همایش ملی ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خواف، ۱۹۳-۱۸۴.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین (۱۳۶۸). شناخت شعر. تهران: هما
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۵). پیشگفتار در گزیده غزلیات شمس. تهران: جیبی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). نگاهی تازه به بدیع. تهران: دوستان
- _____ (۱۳۶۶). آشنایی با عروض و قافیه. تهران: فردوس
- قولانی، محمد و زند، عبدالرضا (۱۳۹۵) «بررسی موسیقی بیرونی و کناری در غزلیات و قصاید ظهیر فاریابی». فنون ادبی، دوره ۸، شماره ۲: ۱۶۵-۱۷۸
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۸۶). روزنه. مشهد: ضریح آفتاب.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸). بدیع. تهران: مرکز
- کیانوش، محمود (۱۳۷۹). شعر کودک در ایران. تهران: آگه.
- گودرزی دهریزی، محمد (۱۳۸۸). ادبیات کودکان و نوجوانان ایران. تهران: قو / چاپار.
- ماهیار، عباس (۱۳۷۶). عروض فارسی. تهران: قطره
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۵). زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: نیلوفر
- نوری خوش‌رودباری، محمدعلی (۱۳۹۴). «موسیقی کناری در مقتل فدایی مازندرانی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی میرزا محمود فدایی تلاوکی مازندرانی. ساری: هاوژین، ۴۹۵-۴۸۵.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۹). وزن و قافیه شعر فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

_____ بررسی موسیقی کناری در اشعار فارسی اول ابتدایی ...

- _____ (۱۳۷۴). قافیه و عروض. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- _____ (۱۳۷۹). بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی. تهران: دوستان.
- هادی، روح اله (۱۳۷۳). آرایه های ادبی. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- همائی، جلال‌الدین (۱۳۶۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.